

## گزارش

نگاهی به طراحی تنش سه‌گانه

### فشار از سمت شرق؟

در حالی که آسیای غربی در تهدید جنگ و ناامنی و آشوب قرار دارد و تحولات لحظه‌ای خاورمیانه، منطقه را به ابزاری باروت تبدیل کرده، همسایگان شرقی کشورمان به چان یکدیگر افتاده‌اند! مناطقی که برای کشورمان از لحاظ امنیتی اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد خصوصا در مرز بلوچستان و شمال افغانستان، با این وضعیت ناامنی افغانستان و پاکستان به‌سوی یکدیگر آتش گشوده‌اند. پاکستان می‌گوید تحریک طالبان به یک پاسگاه نظامی حمله تروریستی کرده و افغانستان تکذیب کرده است همین امر سبب بالاگرفتن تنش میان دو کشور شده است. این دو کشور همسایه در سبقه‌تاریخی خود هیچگاه از حالت امنیتی‌سازی بیرون نیامدند چراکه پاکستان همیشه از سوی شبکه حقانی و تحریک طالبان در تهدید بوده و جالب آنکه این دو گروه زیر نظر استخبارات پاکستان اداره می‌شدند! که برخی از تحلیلگران در دوروز گذشته می‌گویند که احتمالات تحریک طالبان همکاری مورد پسندی با استخبارات این کشور نداشته و به همین دلیل تحریک طالبان پاکستان برای انتقام جویی به این پاسگاه نظامی حمله کرده است. به نوشته خبرنگرانین، اینکه چرا استخبارات پاکستان که در گذشته روابط خوبی با این گروه داشت حالا امروز به این وضع رسیده شاید باید در ترور رهبر حقانی از سوی داعش بررسی کرد توری که امریکامقام‌قد از آن حمایت کرد. این مساله هیچگاه مورد پسند پاکستان نبود و موضوعی شد که رابطه پاکستان و افغانستان تیره‌تر شود و همین امر سبب ناامنی بیشتر در افغانستان شد. با این حال ناامنی و آشوب در دو کشور همسایه بی اهمیت برای ایران و حتی چینی‌ها نیست. ایران گروه‌های تجزیه طلب را خطری بالقوه می‌داند و چینی‌ها نیز آن‌تجاسرمیه‌نگذاری گسترده‌ای انجام داده‌اند و نمی‌توانند نسبت به اتفاقات و تحولات منطقه بی تفاوت باشند. اینکه شرق آسیا هم درگیر آشوب و ناامنی شود برای هیچ یک از بازیگران منطقه جالب نمی‌آید و نفعی هم برای بازیگران منطقه ندارد مگر آنکه باز هم بحث تجزیه ایران و کشورهای شرق آسیا مانند غرب آسیا در میان باشد. از سوی دیگر شاید تلاش طالبان برای راه اندازی کریدور وواخان و اتصال آن به چین، نخستین بهانه لازم برای آمریکا باشد، طالبان را بار دیگر بازی دهد و یا شاید هم به سرنگونی آنها فکرمی‌کند! همکاری طالبان با چین به نفع ایالات متحده نیست و آشوب منطقه می‌تواند بهانه‌ای شود تا از خیل مسائل کلان جلوگیری شود. در کنار این مسائل اخباری مشکوک در رسانه‌های خبری و کانال‌های تلگرامی مبنی بر حضور گروه‌های تروریستی جیش العدل در افغانستان دست به دست می‌شود که کابل این اخبار را تکذیب کرده است. گویا بازیگران خارج منطقه‌ای، ایران را نیز از سمت شرق تحت فشار گذاشته‌اند! ضمن اینکه گروه طالبانی دست‌باز گروه تحریرالاشام داده است که این مساله به خودی خود برای امنیت کشورمان ممکن است معطل بزرگی شود. باتوجه به‌بروی پس از درگیری‌های مرزی، طالبان آب را به‌بروی ایران بست. طالبان روی خود به روابط خوب ایران و پاکستان ندارد شاید هدف از بستن آب بارکشی طالبان در منطقه باشد.

### طراحی تنش؟

در همین باره هیواد تایمز کانال تلگرامی که روایت واقعیت‌های افغانستان را پوشش می‌دهد در این باره نوشته است: «شواهد متعدد میدانی و اطلاعات منابع معتبر حاکی از تحرک جدید ارتش پاکستان برای پیاده‌سازی دستورالعمل جدیدی است که از خارج منطقه برای ایجاد تنش میان اسلام‌آباد، کابل و تهران صادر شده است. ژنرال‌های ارتش پاکستان در این طرح، با آسودگی خاطر از اینکه که هیچ نیروی بازدارنده‌ای در داخل کشور مانع آنان نیست، اقدام به بمباران مناطقی در استان پکتیکا می‌نمایند، آن هم دقیقاً در زمانی که تیم دیپلماسی این کشور در کابل، پشت میز مذاکره با مقام‌های طالبان بود. درحالی‌که سال‌هاست تروریستی‌های جیش‌العدل در خاک پاکستان و با پشتیبانی آشکار نظامیان آن اقدام به ناامنی مرز و عملیات‌های کور تروریستی در ایران می‌کنند، انتشار گسترده شایعه حضور نیروهای این گروهک تروریستی در خاک افغانستان با هدف دستیابی به ایجاد تنش میان تهران و کابل طراحی و اجرایی‌شود.»
تحلیل این کانال تلگرامی بعید و دور از انتظار نیست، اینکه کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای هنوز طالبان را به رسمیت نشناخته‌اند شاید دلیل بر این امر است که این گروه طلبانی برای بالا رفتن اهداف آمریکاز در منطقه شود! اگر افغانستان ناامن شود پروژه‌های اقتصادی چین نیز ممکن است اجرایی نشود.

### پیداستنش‌ها

بعیداست طالبان هرگونه درخواست پاکستان برای اقدام علیه رهبریان تحریک طالبان پاکستان در مناطق مرزی افغانستان با پاکستان را بپذیرند. طالبان اکنون استدلال می‌کند که فعالیت «تحریک» یک مسئله داخلی پاکستان است و اسلام‌آباد باید مشکلات خود را در داخل حل کند. ارتش پاکستان به احتمال زیاد به بمباران خاک افغانستان ادامه خواهد داد، بدون اینکه با واکنش جدی بین‌المللی روبه‌رو شود، و تنها محکومیت‌های خفیفی دریافت خواهد کرد. متأسفانه، نمونه‌های بین‌المللی مشابه در حال افزایش است. کشورهایمانند اسرائیل حملات هوایی فرامرزی انجام می‌دهند و تهدیدات امنیتی را دلیل آن می‌دانند.

دوشنبه

۱۴۰۳ • ۱۰ • ۱۰

۳۸ جمادی الثانی ۱۴۴۶ / ۳۰ دسامبر ۲۰۲۴

سال هفتم

شماره ۲۰۹۹

armanmeli.ir

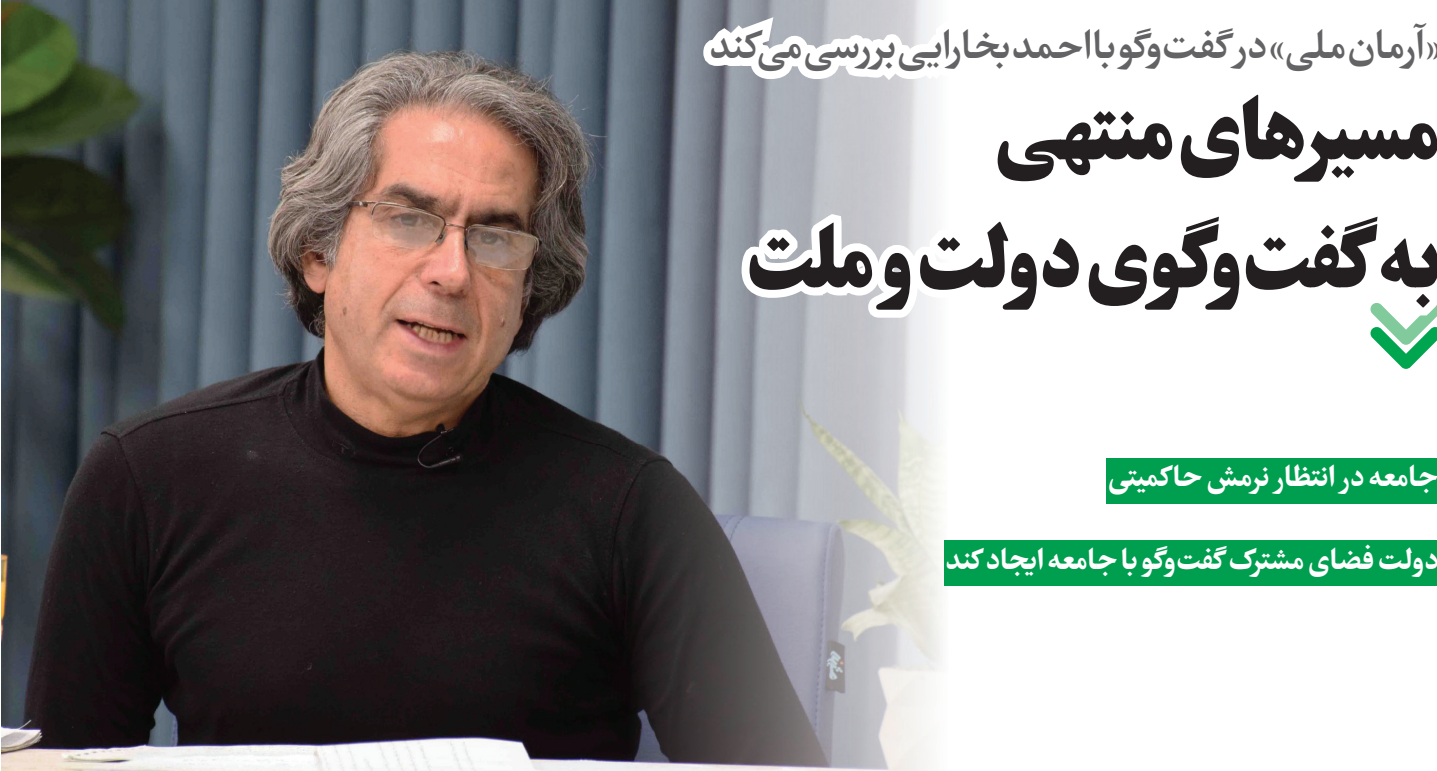
«آرمان ملی» در گفت‌وگو با احمد بخارایی بررسی می‌کند

# مسیرهای منتهی

# به گفت‌وگوی دولت و ملت

جامعه در انتظار نرمش حاکمیتی

دولت فضای مشترک گفت‌وگو با جامعه ایجاد کند



آرمان ملی – سیاوش بورعلی: گفت‌وگو بین آنچه دولت و ملت

می‌خوانیم اصل جدانشدنی از جوامع مدرن و در حال توسعه است و باتوجه به پیشینه جامعه مدنی ایران که از زمان مشروطه با تأکید بر محوریت قانون، مسیر آینده خود را ترسیم کرده است باید بگویم که این روند همچنان با فراز و نشیب‌هایی ادامه خواهد داشت. نه تنها جامعه از دولت‌های خواهد که پای میز مذاکره با شهروندان بنشینند بلکه دیگر سطوح حاکمیتی هم چنین خلأ و کمبودی را احساس کرده‌اند. باتوجه به روند فاصله گرفتن ملت از دولت‌ها در ادوار اخیر حالا دولت چهاردهم می‌خواهد با جامعه گفت‌وگو کند. این بار نه تنها با اقلشاری که در انتخابات سال جاری پای صندوق رای آمدند، بلکه حتی با آن گروه انبوه رای دهندگانی که حاضر نشدند در انتخابات شرکت کنند هم می‌خواهد دیالوگ برقرار کند.

## دولت برای گفت‌وگو با جامعه چه مسیرهایی را باید در پیش بگیرد و آیا در حال حاضر زمینه‌ای برای گفت‌وگو بین دولت و ملت وجود دارد؟

ما بر روی نامگذاری‌ها باید حساس باشیم. موضوع دولت–ملت معنای خاص خودش را دارد ولی در نظام جمهوری اسلامی باتوجه به تجربه انقلاب ۵۷، واژه امت–حاکمیت را باید به کار ببریم زیرا آن چیزی که در جامعه مشاهده می‌کنیم رابطه حاکمیت و امت است. آنچه اکنون امت نام دارد حتی پیش از سال ۵۷ به‌صورت فعال، تدارک انقلاب را فراهم می‌کرد. این امت همان محتوای ایدئولوژیکی است که به یک ساختار ارائه می‌دهیم. همه اتحاد‌ها، اختلاف‌ها، تضادها، تفاوت سلیقه‌ها و… از فردای ۲۲ بهمن شکل گرفت. حتی در ۸ سال جنگ ایران و عراق همین امت توانست با واژگانی مانند شهادت و بسیج همگانی در میدان حضور داشته باشد. اینکه می‌رسید گفت‌وگو بین ملت و دولت چگونه باید شکل بگیرد، یا باید از نظر تئوری و نظری بررسی کنیم که به درد بحث امروز جامعه ما نمی‌خورد، یا باید مسیر به مرحله اجرایی را ترسیم کنیم. اگر می‌خواهیم که بحث ما جنبه انضمامی داشته باشد، باید براساس نیاز کنونی جامعه و اینکه چگونه می‌خواهیم و می‌توانیم بستر گفت‌وگو را گسترش دهیم صحبت کنیم. حالا باید اشاره‌ای به ابتدای بحث داشته باشیم که توضیح کوتاهی در مورد ملت و حاکمیت دادم، توجه داشته باشید که دیالوگ شهروندان و دولت را در این چارچوب مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### اکنون در این حوزه چه وضعیتی داریم؟

در چنین فضایی گفت‌وگو به حاشیه می‌رود چون این گفت‌وگو و دیالوگ باید براساس یک متن مشترک جلو برود. نکته مهم اینجاست که چنین اتصالی باید با تأکید بر اشتراکات و احترام گذاشتن به تفکرات و عقاید طرفین شکل بگیرد. مجموعه بینش مشترک با زبان مشترک که از راه مکالمه بر دهن طرف مقابل تأثیر می‌گذارد، باید از یکدیگر استقبال کنیم. با این دیدگاه باید بگویم که بین دولت و شهروندان در ایران دو گفتمان مختلف وجود دارد که نشانه‌های آن را با توجه به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال جاری باید بررسی کنیم. اکنون گویی دو زبان مختلف وجود دارد و همین باعث می‌شود پیام‌ها بین طرفین به خوبی منتقل نشود. چندی پیش رئیس جمهوری عنوان کرد که می‌خواهند به وفاق ملی برسند و صدای آن ۵۰ درصد را که در انتخابات شرکت نکرده‌اند، بشنود. پیش نیاز این گفت‌وگو داشتن یک فضای مشترک است. با این وجود باید بگویم که دولت نتوانسته صدای آن حدود ۵۰ درصد را بشنود. پس به این نتیجه می‌رسیم که ابتدا باید به فضای مشترکی دست پیداکنیم. در حالی‌که شعارگفت‌وگوو وفاق ملی می‌دهیم باید توجه داشته باشیم که از فقدان فضای اشتراک و تفاوت گفتمان‌ها ضربه می‌خوریم.

### اول باید تضادها را به رسمیت بشناسیم

### و بستر رقابت را طراحی کنیم و بعد از به

### رسمیت شناختن تضادها می‌توانیم به

### مفهوم شیرین وفاق و هم‌رنگی برسیم

دیالوگی که شاید مسیر سختی باشد ولی هرچه که هست حاکمیت برای افزایش قابلیت‌ها و مشارکت‌پذیری ساختار سیاسی به این کاهش فاصله توجه دارد. با توجه به تأکيدات دولت چهاردهم بر گفت‌وگو با جامعه جندی پیش محمدرضا عارف، معاون اول رییس جمهور گفت: «در انتخابات ۵۰ درصد مردم رای ندادند. رویکرد وفاق ایجاب می‌کند که همه مردم علت عدم این حضور چیست؟ ما باید به جایی برسیم که همه مردم علاقمند به شرکت در انتخابات شوند.» در این مورد با یکی از جامعه‌شناسان سیاسی گفت‌وگو کرده‌ایم. احمد بخارایی با تأکید بر ۴ واگرد برای رسیدن به همگرایی یادآور می‌شود که همچنان علت فاصله بین آنچه دولت–ملت نامیده می‌شود، عدم وجود فضای گفت‌وگوی دوطرفه است. در ادامه این مصاحبه را می‌خوانید.

بعدی است. اگر این کشمکش حل نشود نتیجه‌ای در برندارد. توجه داشته باشید که این کشمکش آگاهانه و محتوایی است نه یک تضاد آزردهنده. حالا بعد از کشمکش به سومین حلقه می‌رسیم، در این مرحله است که وفاق مد نظر باید خودش را نشان دهد. برای اینکه تضادها گسترش پیدا نکند باید دست به دامن توافق و وفاق شویم. توافق و وفاق در واقع سازوکارهای موقتی هستند که به آنها نیاز واجب داریم. در مورد رابطه بین دولت و ملت باید سازوکارهای موقتی وجود داشته باشد. سازوکارهایی که بتواند پاسخگوی سازگاری‌های جامعه مدنی شود. هنگامی که وفاق شکل گرفت، حالا به مرحله نهایی یعنی هم‌رنگی جامعه خواهیم رسید.

هم‌رنگی فراگردی است که جامعه را به انسجام می‌رساند. در این حالت هیچکس از مطالبات و خواسته‌های قانونی خود عقب‌نشینی نمی‌کند. توجه داشته باشید که این هم‌رنگی، خروجی آن سه حلقه پیشین است که بین جامعه و حاکمیت به‌نوعی وحدت و انسجام به‌وجود خواهد آورد. اگر برای رقابت و کشمکش وقت صرف نکنیم به وفاق و هم‌رنگی نخواهیم رسید. مانند اینکه ایستگاه‌های قطار را برای رسیدن به مقصد یکی یکی باید پشت سر بگذرانیم. درغیر این صورت تنها در ظاهر به وفاق خواهیم رسید، به مفهومی نخواهید داشت. پس در درجه اول باید تضادها را به رسمیت بشناسیم و بستر رقابت‌ها و کشمکش‌ها را طراحی کنیم. بعد از به رسمیت شناختن این تضادها می‌توانیم به مفهوم شیرین و جذاب وفاق و هم‌رنگی برسیم ولی همچنان این رقابت و کشمکش توسط دولت‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شود. برای شکل دادن به وفاق باید این روند را ادامه دهند نه اینکه همانند تأکید بر عدالت بیایند زمینه فاصله طبقاتی را ایجاد کنند.

### با همه این توضیحاتی که دادید، آیا اگر برای ایجاد گفت‌وگو در مقابل جامعه نرمش صورت گیرد، آیا شهروندان این نرمش را خواهند پذیرفت؟

قطعا این اتفاق رخ خواهد داد. اگر دولت‌ها در بحث رقابت، کشمکش، توافق و هم‌رنگی را ادامه دهد و تفاوت‌ها و تضادها را به رسمیت بشناسند و هنگامی که اجبار را برای وفاق و هم‌رنگی کنار بگذارند آن گفت‌وگوی دوطرفه همانطور که اشاره کردیم مهم‌ترین چالش محسوب می‌شود. ایجاد خواهد شد زیرا در این فضا جامعه و حاکمیت اشتراکی با هم دارند و در فضای مشترکی حضور خواهند داشت. گفت‌وگو بین دولت و ملت شدنی است ولی بعد از گذراندن چهار مرحله‌ای که اشاره داشتیم. حدود شش ماه از شروع به‌کار دولت می‌گذرد ولی هنوز صدای ۵۰ درصد غایب در انتخابات را نشنیده‌اند و اگر انتقادی هم مطرح کنیم در جهت بهبود، استقبال نمی‌کنند. باتوجه به شعارها و وعده‌ها و تلاش‌ها برای گفت‌وگو با جامعه، باید بگویم که متأسفانه هنوز به تضادها، اختلاف‌ها، سلیقه‌ها و… احترام نمی‌گذارند.

### وفاق ملی هم می‌تواند در چارچوب شعار

### باقی بماند و هم می‌تواند به مرحله اجرایی

### برسد ولی ما همواره با انباشت شعارهای

### غیر اجرایی‌شده روبه‌رو بوده‌ایم

# سیاست

### دره‌یین

استراتژی موافقان فیلترینگ در سه لایه

### تندروها عقب‌نشینی نمی‌کنند

سرانجام پس از ماه‌ها انتظار برای عملیاتی شدن یکی از مهم‌ترین وعده‌های بزشکیان در ایام انتخابات، بالاخره با تصمیم اعضای شورای عالی فضای مجازی، برداشته شدن فیلترینگ دو پلتفرم، امیدهایی را در میان افکار عمومی ایجاد کرده است اما آن را ناکافی می‌دانند و خواستار برداشته شدن همه محدودیت‌ها هستند. به گزارش خبرآنلاین با این حال، در سوی دیگر میدان، تندروها و موافقان فیلترینگ که تا آخرین لحظه تلاش کردند جلوی رفع فیلترینگ پلتفرم‌ها را بگیرند، از این تصمیم اعضای شورای عالی فضای مجازی عصبانی بوده و مخالفت خود را در فضای مجازی و البته برخی خیابان‌های تهران نشان دادند. در واقع، علی‌رغم آنکه اکثریت مردم خواهان رفع فیلترینگ بیشتری هستند و صدای گلایه‌های آنان از سرعت کم اینترنت و گرانی فیلترشکن‌ها بلند و بلندتر شده، برخی تریبون‌داران تصمیم بر ایستادن مقابل خواسته مردم و اقدام دولت دارند و سازمخالفت کوک کرده‌اند. دوستداران فیلترینگ در چند جبهه مشغول به کار هستند، در لایه سیاسی، مجازی و کف خیابان. در لایه سیاسی، تریبون‌داران اقدام به اعلام مخالفت خود و در عین حال زندهار دادن برای رفع فیلترینگ هستند. در لایه مجازی، مخالفان رفع فیلترینگ در پلتفرم‌های داخلی و خارجی ضمن اعلام مخالفت، به مقامات و حتی منصوبان رهبر انقلاب نیز می‌تازند، مانند آنچه در یکی از پلتفرم‌های داخلی درباره یکی از نوشته‌های رئیس سازمان تبلیغات اسلامی پیش آمد و موافقان فیلترینگ، با حملاتشان آن نوشتار مجازی را سلاخی کردند. در لایه کف خیابان نیز، در آخرین اقدام، روز جمعه پس از نماز جمعه تهران، عده‌ای موتور سوار، به سمت مرکز ملی فضای مجازی رفتند و مقابل آنجا تظاهرات موتوری کردند!

### علیه پزشکیان

از سوی دیگر، در چند روز گذشته، حامیان فیلترینگ با استفاده از هر تریبون و رسانه‌ای مخالفت خود را با تصمیم شورای عالی فضای مجازی نشان دادند. مخالفت‌هایی که گاه از سوی تریبون‌داران موثر بیان شد و گاه از سوی برخی اصولگرایان در قالب مصاحبه با رسانه‌ها و حتی توتیت زدن در شبکه‌های مجازی. عبدالکریم عابدینی در خطبه‌های نماز جمعه قزوین با اشاره به رفع فیلترینگ گفت: «دشمنان برای ما اطلاعات غلط می‌فرستند و جووانان ما را هدف گرفته‌اند بنابراین باید راه‌های نفوذ دشمن بسته شود و تلاشگر فیلترینگ هم برداشته شده، باید حواسمان به سواد رسانه‌ای باشد تا محتوای ناسالم به مردم آسیب نرساند». سید محمد مهدی حسینی همدانی، امام جمعه کرج نیز که بارها مخالفت خود را با رفع فیلترینگ نشان داد، بود، روز جمعه با اشاره به فضای مجازی تأکید کرد «برای خوشحالی کسانی که امنیت کشور برای آنها اهمیت ندارد نباید مقدمه‌سازی شمه جمعه‌ای بود که در خطبه‌ها از بازگشایی دو پلتفرم واتساپ و گوگل پلی انتقاد کرد. او گفت: «امروز اسلحه دشمن با وجود شبکه‌های مجازی بدنامی و ایجاد مشکل برای اقتصاد و جنگ نرم است که جامعه را به ناامنی می‌کشاند، اما امروز همچنان عده‌ای در کشور طرفدار امنیت مجازی می‌بود که بر نامه‌های آن هستند. امیرالمومنین می‌فرمایند که شایعه پراکن هادل مردم را خالی می‌کنند و مشکلات کوچک را بزرگ می‌کنند. این افراد امیدها را به تباهی می‌کشاند». رسول جلیلی یکی از اعضای حقیقی شورای عالی فضای مجازی در شبکه فضای مجازی، با اشاره به رفع فیلترینگ نوشت: «زه‌ری نوش جانمان شد و دشمن شاد شدیم». محمد حسن قدری ابیانه، فعال سیاسی اصولگرا هم گفت: «در فرانسه مدیر تلگرام را دستگیر می‌کنند و خواسته‌هایی از او دارند که وقتی نمی‌دهد ازش می‌کنند. در کشورهای مختلف این فیلترها وجود دارد، به خصوص که می‌دانیم نه تنها تروریست‌ها از این اب‌ها برای اعمال تروریستی استفاده می‌کنند، بلکه محتوای مستهجن هم در این‌ها کاملاً آزاد است. البته اطلاعات واتساپ هم کاملاً در اختیار رژیم صهیونیستی و آمریکاست و فقط ظاهر ماجرا این است که این اپلیکیشن‌های امن است». یاسر خلیلی، مدیرکل حقوقی ستاد امر به معروف در کشور، نیز درباره مخالفت خود با رفع فیلترینگ نوشت: «وقتی قانونی در کنترل فضای مجازی وجود ندارد… منظور جنایتان از مدیریت قانونمند چیست؟ حسین ظاهری عبده‌وند، معاون ارتباطات و امور بین‌الملل موسسه سینمایی سفیر، از دیگر چهره‌های مخالف رفع فیلترینگ بود که این اقدام را کنیز ناموس ایرانی برای رژیم صهیونیستی دانست. او در واکنش به اظهارات رئیس سازمان تبلیغات اینطور نوشت: «کارشناسی که منافع و امنیت ملی را نمی‌بیند و رأی به انجام کاری می‌دهد، خواسته یا ناخواسته سرباز دشمن است. رئیس شورا هم که بارها گفته حتی در حد یک کارشناس ساده هم نیست. چرا آقایان صاحب‌لحیه مانع نشدند که ناموس (داده‌های کاربران) ایرانی به کنیزی صهیونیست‌ها نرود؟ در تعهد، انگشت کوچک مدرس هم نیستید.»

### عقب‌رفتن تندروها

باوجود آنکه برخی از چهره‌های سیاسی و افکار عمومی برداشته شدن محدودیت‌های دو پلتفرم را ناکافی می‌دانند اما در عین حال این اقدام را به نوعی ترک خوردن دیوار فیلترینگ و به نوعی آن را سرآغازی برای رفع مسدودیت‌های بیشتر می‌دانند. در این میان، به نظر می‌رسد تندروهایی که تا به الان از تمام تیر و ترکش‌های خود برای جلوگیری از این اتفاق استفاده کردند، به راحتی از این ماجرا عبور نخواهند کرد. حملات هدم‌فند و اخیر آنان به رئیس سازمان تبلیغات اسلامی با آگاهی از جایگاه او، برگزاری تجمعات گاه و بیگاه و انتقادات از دولتمردان از تریبون‌ها نیز می‌تواند مهر تأییدی بر این گزاره باشد. در این میان، باید دید دولت و موافقان رفع فیلترینگ با موافقان فیلترینگ چه خواهند کرد.